

صحبت های باری پُل در مورد پیشرفت و نوآوری های شمشیربازی

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۴۰۰/۴/۱۴)

تعداد بسیار کمی از شرکت ها توانسته اند حدود صد سال به فعالیت خود ادامه دهند، اما لئون پُل یکی از آنهاست. هنگامی که این شرکت توسط لئون پُل، پدربزرگ باری پُل، تاسیس شد هیچ کس نمی توانست تغییراتی را که در دنیای شمشیربازی ایجاد خواهد شد، پیش بینی کند. با این وجود، ما ده دهه بعد، با نوآوری های این شرکت، به دنبال آینده ای متحول برای شمشیربازی هستیم. میراث این سازنده تجهیزات شمشیربازی اکنون در دست پسران باری، الکس و بن قرار دارد، اما او با نظرات مناسب خود در مورد این ورزش همچنان به عنوان یک رهبر فکری به کار خود ادامه می دهد.



جزئیات ساخت یک وسیله ساده مانند ماسک یا ساک شمشیربازی بسیار پیچیده تر از آن است که فکر می کنیم و این در مورد بیشتر وسایلی که هر روز در یک باشگاه شمشیربازی با آنها سروکار داریم، نیز صدق می کند. برای اینکه هر یک از قطعه ها بتواند در زندگی شمشیربازی روزمره ما به خوبی برایمان کار کند نیاز به پالایش و تلاش های فراوانی دارد. درک و بینش باری پُل در مورد چگونگی عملکرد کنونی این فرآیندها که طی دهه های متمادی تغییر کرده است، برای هر شمشیرباز می تواند خیلی جذاب است.

مصاحبه با باری پاول

خیلی ممنونم که وقت گذاشتید و در این مصاحبه شرکت کردید. این برای من واقعا یک افتخار است.

من از شما ممنونم.

تاریخچه نسل لئون پُل

یکی از نکات بسیار جالب در مورد خانواده شما تاریخچه است. شما تنها خانواده ای هستید که من می شناسم که با یک تجارت چند نسلی شمشیربازی که صد سال از عمر آن می گذرد، درگیر هستید.

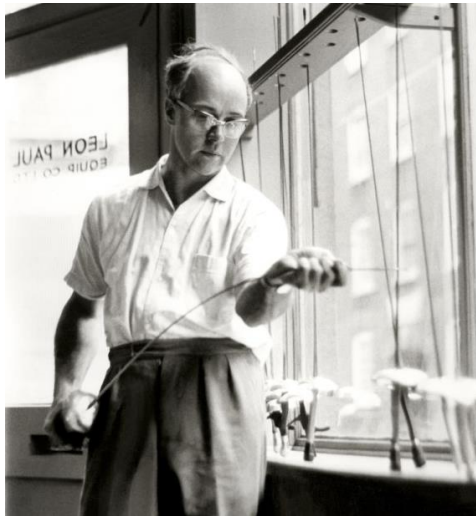
بله، تقریباً صد سال شده است. ما به طور رسمی در سال ۱۹۲۰ شروع کردیم، اما در واقع قبل از آن توسط پدربزرگم لئون پُل فعال بودیم. او در سال ۱۹۰۸ به عنوان معلم و مربی از فرانسه به انگلیس آمد، سپس به فرانسه بازگشت و در آنجا به عنوان مترجم و معلم شمشیربازی در

جنگ جهانی اول مشغول به کار شد. در جنگ جهانی دوم او در انگلستان مشغول آموزش شمشیربازی بود، در حالی که پدرم در یکی از آن روزهای خوفناک جنگ با یک جیب وارد ساحل آنجا شده بود.

به عنوان یک شمشیرباز، من یک شمشیرباز کلاس جهانی بودم، و جزو ۱۰ نفر برتر رده بندی بودم. بهترین نتیجه انفرادی من رده پنجم مسابقات رومل بود (که یک رویداد فلوره در پاریس بود و برابر با مسابقات کلاس A جهانی امروز بود). من برای دو فصل به یک چهارم نهایی مسابقات قهرمانی جهان (چهار پول ۶ تایی) رسیدم که برای رسیدن به نیمه نهایی پول ها با هم ترکیب می شدیم. من در چند المپیک شرکت کردم. در فلوره المپیک مونترال، ما در دور پول رومانی را شکست دادیم، در دور ۸ پایانی به فرانسه باختیم، و در نهایت پس از شکست دادن آمریکا و باخت به لهستان در رده ۶ قرار گرفتیم.

این فوق العاده است. شما شمشیربازی را در خانواده خود برای چهار نسل بصورت انحصاری ادامه داده اید. چگونه این دانش و اشتیاق را به نسل بعدی منتقل کرده اید و بچه های خود را به آن علاقه مند کرده اید؟

بیشتر شرکت های خانوادگی توانسته اند برای سه نسل به کار خود ادامه دهند، ولی ما به چهار نسل رسیدیم. فکر می کنم در مورد ما ادامه دادن نسل چهارم به دلیل ترکیبی از شرایط موجود و خود ورزش بود. در اوایل قرن، شرکت های موفق با مالکیت چندین سرپرست خانواده با انتشار گسترده سهام مالکیت خود را به پایان رساندند. بنگاه های تجاری می توانند با اعضای خانواده که بطور روزانه درگیر نیستند رشد کنند و از دریافت سود سهام خود خوشحال باشند. اما وقتی شرایط سخت می شود، سود سهام کم می شود و اعضای خانواده شروع به ریزش می کنند، و در نتیجه شرکت ها برای فروش سهام و فروپاشی آماده می شوند.



رنه پُل

پدربزرگ من کار خود را شروع کرد، پدر من رنه و خواهرش در طول سال های جنگ در اوقات فراغت خود به کار کمک می کردند. پس از پایان جنگ عمومی من ریموند به شرکت پیوست و مالکیت و اداره شرکت را بصورت مشترک به دست گرفتند. پدر و عموی من هر دو شمشیربازهای کلاس جهانی بودند. عموی من ریموند یک شمشیرباز عالی بود و وقتی او را اینگونه توصیف می کنم، شما باید بین کسی که خوب آموزش دیده باشد و کسی که یک شمشیرباز عالی است تفاوت بگذارید. او با استفاده از تاکتیک، مهارت و تجزیه و تحلیل حریف های خود ضربه می زد. من و برادرم هر دو شمشیربازهای بین المللی کلاس جهانی بودیم. در مورد برادرم باید بگویم که او تقریباً در اپه موفق بود و یکی از آخرین شمشیربازهای بین المللی بود که در دو سلاح بازی می کرد.

من در سال های آخر تحصیل در مدرسه تصمیم گرفتم که به این شرکت بپیوندم، بنابراین تصمیم گرفتم یک مدرک مهندسی که برای این کار مفید بود بگیرم. انتخاب مهندسی مکانیک در کالج Queen Mary London به این دلیل بود که بیشتر دانشکده های دیگر به مدرک زبان

انگلیسی سطح O نیاز داشتند، که به دلیل نارساخوانی موفق به کسب آن نشده بودم. در دوران تحصیل به دلیل صرف وقت زیاد برای شمشیربازی، نتوانستم امتحانات سال دوم خود را بگذرانم و مجبور شدم سال بعد دوباره در امتحانات سال دوم شرکت کنم.

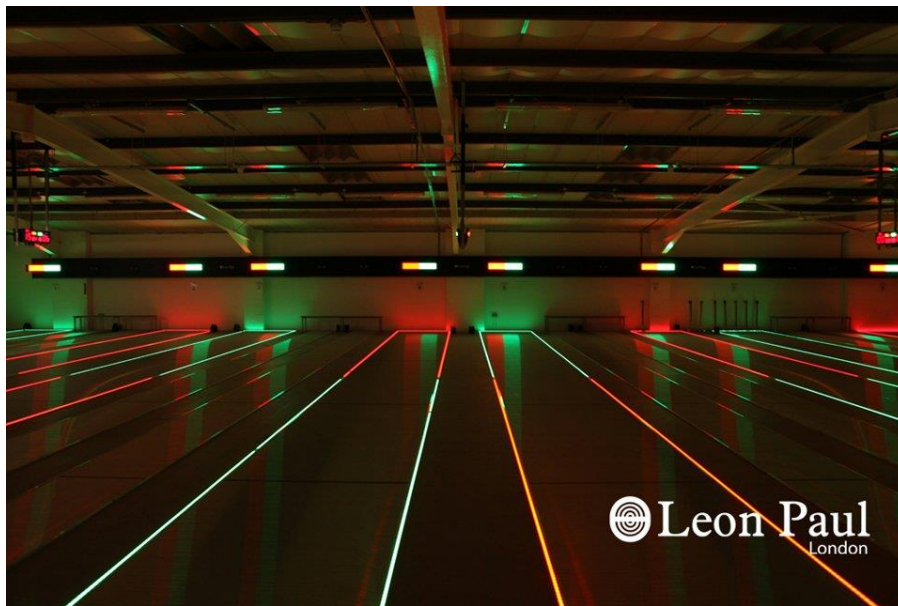
برادر من علاقه ای به پیوستن به شرکت نداشت. او دکترای خود را در کالج امپریال گذراند و سپس شروع به تدریس مهندسی کرد، بعداً وقتی ما با مشکلات فنی روبرو شدیم وارد کار شد. با کمک او بود که برای اولین بار فروش اینترنتی را راه اندازی کردیم.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ شرکت به استیون پسر ریموند (په ایست کلاس جهانی و مربی شمشیربازی) و خودم واگذار شده بود. اوقات سختی بود و پس از گذشتن از برخی مشکلات سهام استیون را خریداری کردم و شرکت را با همسرم جوان اداره کردم.

با تلاش سخت از جمله ۲۴ ساعت کار در مسابقات آخر هفته به مدت یک سال، من و جوان شرکت را به وضعیت مالی پایدارتری برگردانیم و توانستیم موقعیت خود را در بازار داخلی و خارج تقویت کنیم. اینترنت اهمیت بیشتری پیدا کرده بود و به ما امکان می داد از فروش عمده قطعات با قیمت پایین به شرکت هایی مانند Santelli و به فروش سودآورتری بپردازیم.

پسران ما الکس و بن در اوایل دهه ۲۰۰۰ به شرکت پیوستند و فروش، بازاریابی، اینترنت و تولید برخی محصولات را به عهده گرفتند.

اکنون من و همسرم هنوز مدیر مشترک هستیم و سهام داریم، اما پسران ما شرکت را اداره می چرخانند، آنها کار بزرگی انجام می دهند.



شما بیشتر کار یک مشاور دانا را بازی می کنید که به آنها مشاوره می دهید.

توصیه هایی که آنها گوش نمی دهند. (با خنده) بله، آنها به ما گوش می دهند. وضعیت ما جالب است. اما به طور کلی، در دو سال گذشته هیچ اتفاق خاصی وجود نداشته است که ما را نگران کند، یا اینکه ما معتقد باشیم که باید کار خاصی انجام شود. آنها کاملاً آزاد هستند و شرکت را اداره می کنند.

عملکرد کاری آنها چگونه است؟

الکس مدرک زیست شناسی گرفت و نوعی دیدگاه علمی نسبت به برخی موضوعات دارد. او بخش های فنی تجارت - نوآوری، مهندسی، الکترونیک - را اداره کند. او مدت زیادی را صرف پروژه بی سیم کرد که ما در حال اجرای آن هستیم. او سیستم های کامپیوتری، برنامه نویسی رایانه و نرم افزارهایی را که ما در سیستم عامل های مختلف خود استفاده می کنیم خوب درک می کند. اما نقطه قوت بن در خلاقیت،

تصویر سازی و مهارت های روابط عمومی است. او در هنر و همچنین علوم کامپیوتر سابقه دارد. او یک سخنران بی نظیر، زیرا در عروسی الکس سخنرانی او آنقدر جالب و خنده دار بود همه به من می گفتند که یکاش او به عنوان یک کمترین استندآپ اجرا می کرد؟

چه کسی سرپرستی کارهای شرکت را به عهده دارد؟

آنها یک تیم هستند. آنها در مورد مسائل آنقدر بحث می کنند تا زمانی که به توافق برسند. ما تا به حال هرگز برای قضاوت فراخوانده نشده ایم. آنها در یک دفتر، در یک اتاق کار می کنند، و در مورد همه چیز بحث می کنند، و تا کنون شرایط خیلی خوب بوده است.

تجهیزات مبتنی بر تحقیق

ظاهراً، تاکنون لئون پُل خیلی خوب عمل کرده است. به نظر من بعضی از محصولات شما کاملاً بهترین هستند. من فکر می کنم آنها متفاوت هستند. یک شرکت نوآور همیشه چیزهای جدید و جالبی برای عرضه دارد. ماسک با محافظ گردن یکی از موارد جالب است.

این ماسک همراه با تیغه های ایه تاشو ایده من بود. اگر برای آموزش به یک مدرسه بروید و این تیغه های ایه را به بچه ها بدهید، هیچ بلایی سر آنها نمی آید و آنها برای همیشه ماندگار هستند و در محیط های آموزشی بسیار محبوب هستند. اگر با آنها بزرگ بشوید حال خوبی به شما دست می دهد. من می فهمم اگر شما در کلاس جهانی بازی می کنید، نوک اندکی متفاوتتر یعنی سفت تر را ترجیح می دهید. اما از نظر میزان فروش فعلی، این تیغه ها به خوبی جا افتاده است.



در زندگی دو جنبه وجود دارد - احساس و تجارت، و لزوماً اجباری نیست که در همه موارد باهم توافق داشته باشند. اما اگر در کنار احساسات تجارت در جریان باشد، خوب چه بهتر. من عاشق آن ماسک هستم. من فکر می کنم این یک اختراع خارق العاده و قطعاً متفاوت است. من تعجب می کنم که چرا کس دیگری این نسخه را کپی برداری نکرده است.

این ماسک ثبت اختراع شده است. ایده اصلی به نظر آسان می رسد اما تولید انبوه آن با خیال راحت چالش برانگیز است. کمتر تولیدکننده برتری می تواند درآمد کافی در این زمینه کسب کند. سکون و تنبلی زیادی در دنیای تولید شمشیربازی وجود دارد و همه دنبال کارهایی هستند که بتوانند آسان تر انجام دهند، ضمن اینکه سودآور نیز باشد. همچنین هزینه بالا هم مزید بر علت است. مواد گران است، بنابراین شما مجبور به خرید عمده هستید تا بتوانید از همه اندازه ها تهیه کنید، و این می تواند یکی از موانع باشد. ما موفق شده ایم به جایی برسیم که بتوانیم سرمایه لازم را برای هر نوع فناوری جدیدی که مورد نظر ماست فراهم کنیم. دوخت لباس، ماسک سازی، ساخت تیغه، دستگاه بی سیم و غیره. در مورد

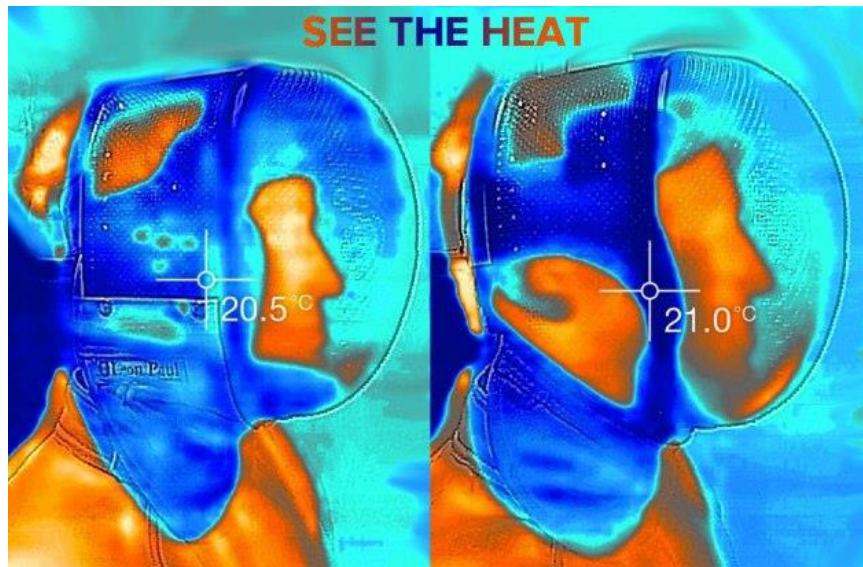
ماسک، یکی از پیشگویی های من در مورد آینده این است که ماسک های شیشه ای بسیار خوبی خواهیم داشت که شمشیربازها حتما مایل به استفاده از آنها خواهند بود.

یعنی اینکه شما ماسک شیشه ای را دوست دارید.

فکر می کنم اجتناب ناپذیر است، می توانید از همه این سوال را بپرسید که، "آیا تا ده سال دیگر دوست دارید بازهم از این ماسک سیمی استفاده کنید، یا ترجیح می دهید از یک ماسک شیشه ای کاملاً واضح استفاده کنید." پاسخ برای من کاملاً روشن است. ساختن یک ماسک شیشه ای ایمن هیچ مشکلی غیرقابل حلی ندارد اما بسیار گران و پیچیده خواهد بود.

من هرگز با ماسک شیشه ای بازی نکرده ام، بنابراین نمی دانم چه حسی خواهد داشت. من می فهمم که همه چیز را واضح خواهیم دید. اما نمی دانم چگونه بر تنفس من تأثیر می گذارد.

روی تنفس تأثیر نمی گذارد. در واقع ما با استفاده از ماسک های خود، ماسک های رقیب خود و ماسک های معمولی، در آزمایشگاه تست هایی را انجام دادیم، و ماسک ما عالی جواب داد. از بهترین ماسک استاندارد هم بدتر نبود. ما حقایق را در نظر می گیریم و فیزیک و دانش مربوط به آن را خوب درک کرده ایم.



گرمای جمع شده در ماسک شمشیربازی

متأسفانه برخی افراد جزئیات فنی و آزمایشی را به طور کامل درک نمی کنند، و مثال های متعددی در این زمینه وجود دارد. در اینجا به یکی از آنها می پردازیم.

من در ابتدای کار در تست PPE در اتحادیه اروپا شرکت داشتم، به طوری که یک گروه کاری در زمینه مقررات PPE بر روی تجهیزات شمشیربازی کار می کرد. من در واقع درست قبل از بازنشستگی رئیس این گروه کار شدم. من می دانم که چگونه وسایل را تست کنیم، چه کارهایی باید انجام دهیم، و چه چیزهایی را باید بررسی کنیم.

یکی از دلایلی انجام این نوع تست ها حوادث وحشتناک ساپر بود. ما ضربه های مالپاره ای (شلاقی) داشتیم که در واقع ضربه نبودند. بنابراین مقرراتی وضع شد تا تیغه ها محکم و خشک تر شوند. چیزی که هیچ کس متوجه نشد این بود که تیغه ها اکنون نسبت به تیغه های ایه سفت تر شده اند. اکنون تیغه پوینت کوچک تری دارد، به طوری که نیروی انسانی در واحد سطح بیشتر شده است. سپس، از آنجا که آنها می خواستند از شر ضربه های کدوبل خلاص شوند، زمان قطع کننده بین ضربه و ریپوست را کوتاه تر کردند، یعنی زمان بین دو ضربه بسیار کاهش یافته

است. اتفاقی که در اینجا می افتد این است که شمشیربازها متوجه شده اند که نمی توانند رپیوست کنند. زیرا به محض اجرای رپیوست حریف ردوبلمان می کند، و ضربه را می زند، و رپیوست شما خارج از زمان می شود، زیرا سیستم قفل شده است. بنابراین، شما اکنون شمشیربازی را کاملاً تغییر داده اید، که فکر نمی کنم آنها این را درک کنند. اکنون آنچه شما باید انجام دهید اتمک با پوینت و بلافاصله یک رمیز مستقیم روی دست می باشد. شما نباید منتظر رپیوست باشید. حتی اگر حریف دفاع کند، شما باید بلافاصله رمیز کنید. اگر دست شما راست بماند، به دلیل سفتی زیاد تیغه، ضربه به دست اصابت می کند و ممکن است وارد آستین شود.

ما ضربه های وحشتناکی داشتیم که از دستکش رد می شد و وارد آستین می شد و به بازو آسیب می رساند.

مشکلی که در ابتدا عنوان می شد خیس بودن دستکش بود. با توجه به تجربه من، من می دانم که اگر شما تجهیزات شمشیربازی را خیس کنید و سپس آن را تست کنید، به طور کلی کمی قوی تر می شوند. دلایل فنی برای این موضوع وجود دارد. آنها اصرار داشتند که همه سابریست ها دستکش خشک داشته باشند. سپس من آزمایشاتی روی چرم مرطوب، چرم خشک، و چند نوع پارچه دیگری انجام دادم و معلوم شد حق با من است.

وقتی دستکش خیس می شود، دلیل آن عرق است؟ چگونه می توانید از خیس شدن دستکش جلوگیری کنید؟

خوب، شما می توانید آن را مرتب عوض کنید.



یعنی پس از چند ضربه؟

برای بازی های فینال مسابقات قهرمانی جهان، آنها دستکش ها را بررسی می کردند و در صورت خیس بودن بازیکن مجبور به تعویض آن بود. این مسئله مربوط به ایمنی است. در نهایت معلوم شد که آنچه شما نیاز دارید یک دستکش قوی تر است، یعنی هشصد نیوتن. به خصوص اینکه بتواند از انگشتان نیز حمایت کند، همان چیزی است که شما در دستکش های مدرن امروزی دارید، که پشت دست آن هم هشصد نیوتون است. اکنون ما دیگر با آن حوادث بسیار کمتر روبرو شده ایم. و تقریباً کاملاً از بین رفته است.

فرض بر این بود که خیس شدن دستکش به دلیل عرق کردن، آن را فرسوده می کند.

قدرت هر دو دقیقاً یکی است. نظریه آنها این بود که دستکش خیس خطرناک است، اما واقعیت این است که دستکش مرطوب از نظر قدرت هیچ تفاوتی با دستکش خشک ندارد. آنچه شما نیاز داشتید یک دستکش محکم تر بود و دستکش های جدید آن مسئله را حل کرد.

دستکش های فعلی هشتصد نیوتونی هستند، قدرت دستکش های قبل چقدر بود؟

شاید دویست نیوتون.

آها، این یک تغییر قابل توجهی بود.

و این برای جلوگیری از نفوذ به آستین کافی است.

شمشیربازی در حال رشد

به نظر شما برای افزایش محبوبیت شمشیربازی چه کاری می توان انجام داد یا باید انجام شود؟ چه چیزی در این زمینه از قلم افتاده است؟

جواب دادن به این سوال کمی سخت است. با این حال، من از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰، درگیر مربیگری و شمشیربازی در انگلیس بودم. این کار توسط افراد حرفه ای اداره می شد، که صدور گواهینامه های مربیگری و غیره را کنترل می کردند. من چندین نفر بعنوان مدیر باشگاه معرفی کردم که، بجای داشتن یک مربی گران قیمت، برای آموزش فلوره به مدت شش سال کافی بود. شما فقط به کسی نیاز دارید که بتواند یک دوره مدیریت باشگاه را آموزش ببیند. سرانجام، من چند مدرس حرفه ای را در انگلیس ترغیب به کار کردم که حرکت خوبی بود، زیرا آنها برای اجرای دوره ها پول دریافت می کردند و به مدیران دوره ها آموزش می دادند تا بتوانند بعد از آن در مدرسه های شمشیربازی آموزش بدهند. ما با استفاده از شمشیر و ماسک های پلاستیکی مینی شمشیربازی را با موفقیت اجرا کردیم. سپس با استفاده از سری Leon Paul's Junior Series شمشیربازی کودکان را بسیار محبوب کردیم. آنچه شما برای علاقه مند کردن بچه ها به آن نیاز دارید، رفتن به مسابقات است، جایی که هر کس بتواند چیزی را بدست آورد، تا در سنین جوانی آنها را علاقه مند و درگیر کند. ما این مسابقات را با موفقیت اجرا کردیم و همچنان با موفقیت در انگلیس اجرا می شود. این یک محرک بزرگ برای شرکت در شمشیربازی در انگلستان بوده است. در آمریکا نیز طرح های مشابهی اجرا می شود و من فکر می کنم این مورد برای شمشیربازی بسیار مهم است.



از سوی دیگر، وقتی ما زودتر بازنشسته می شویم و عمرمان طولانی می شود یک فرصت عالی دیگری برایمان فراهم می شود، و آن **شمشیربازی پیشکسوتان** است. شمشیربازی یک ورزش عالی برای ادامه حیات است تا زمانی که زنده هستید.

گزارش های علمی فزاینده ای درباره اهمیت حفظ توده عضلانی و حرکت و حفظ سطح کلی آمادگی جسمانی و تناسب اندام وجود دارد. **شمشیربازی ورزشی مناسب برای این کار است.** حداقل نیمی از تیم پیشکسوتان انگلستان از شمشیربازهایی تشکیل شده است که شمشیربازی را در سن ۴۰ سالگی آغاز کرده اند، زمانی که فرزندان خود برای آموزش شمشیربازی آورده بودند.

در آمریکا، محبوبیت شمشیربازی به دلیل انگیزه جذب به دانشگاه است. در انگلستان چگونه است؟ آیا دانشگاه ها تیم های ورزشی دارند؟

خوب، اینجا مانند آمریکا نیست. بنابراین شما به این دلیل که یک شمشیرباز یا راگی با هستی نمی توانید وارد هیچ دانشگاهی بشوید. قبلاً اگر یک قایقران خوب یا یک فوتبالیست برتر بودید می توانستید وارد دانشگاه های آکسفورد یا کمبریج شوید، اما الان دیگر اینطور نیست. چنین انگیزه ای به هیچ وجه در انگلیس وجود ندارد، و فکر نمی کنم به غیر از آمریکا در کشور دیگری نیز باشد. آنجا کاملاً متفاوت است.

به نظر می رسد که در فرانسه تعداد افرادی که جذب شمشیربازی می شوند زیاد است. زیرا بودجه زیادی به مراکز ورزشی محلی که در آن شمشیربازی آموزش می دهند، پرداخت می شود، اما جودو همچنان از شمشیربازی محبوبیت بیشتری دارد.

احتمالاً شمشیربازی در فرانسه در بین سایر کشورها محبوب ترین است، درست است؟

بله، من اینطور فکر می کنم، اگرچه محبوبیت آن به دلایلی در طی چند سال گذشته اندکی کاهش یافته است. اما به نظر من نتایج حاصله به مقابله با این مسئله کمک کرده است. در حال حاضر نتایج المپیک فرانسه بهتر شده است. آنها مدال هایی را به دست آورده اند و این باعث افزایش جمعیت شمشیربازی در فرانسه شده است. جالب است که کووید بیشتر از آنچه مردم فکر می کردند طول کشید. اما امیدوارم تا پایان تابستان به حالت عادی برگردد، آنگاه خواهیم دید که چه اتفاقی می افتد. آیا المپیک توکیو برگزار خواهد شد یا خیر!

امیدوارم که اینگونه بشود، خواهیم دید.

عرضه و نمایش ورزش کاملاً مهم است



برای ایجاد محبوبیت در سطح جهانی، ارائه مطمئناً بسیار مهم است. من همیشه معتقد به ارائه و نمایش شمشیربازی، مخصوصاً در فینال ها، روی یک پیست مرتفع، با نور مناسب و ماسک شیشه ای بوده و هستم. به عنوان مثال، روشن کردن ماسک از داخل، که بن در این زمینه کارهایی با FIE انجام داده است، به طوری که هنگام اصابت ضربه نه تنها ماسک روشن شود، بلکه صورت بازیکن نیز به گونه ای روشن شود که بتوانید آن را ببینید. بنابراین وقتی نور روشن می شود، می توانید صورت بازیکن را به خوبی از پشت شبکه ماسک ببینید. اما در این مورد مسائلی هم

وجود دارد، بعنوان مثال موقع روشن شدن ناگهانی چراغ، ممکن است شمشیرباز را کور کند. ماسک شیشه ای این امکان را آسان می کند. وقتی بتوانیم احساسات را ورزشکار ببینیم، برای تماشاچی ها بسیار جالب می شود، زیرا این همان چیزی است که ما در ورزش دوست داریم، و آن هیجان و احساسات چشمگیری که در صورت شمشیربازی ظاهر می شود. ماسک های شیشه ای یک بخش از این نمایش هستند.

من فکر می کنم که پیست های برجسته ای که برای المپیک آتلانتا طراحی و تولید کردیم بسیار خوب بود. من همیشه اعتقاد داشتم که شما باید روی یک پیست مرتفع و انعطاف پذیر بازی کنید، زیرا آن باعث می شود شمشیربازی هیجان انگیزتر شود. حرکت روی آن آسان تر است. شما می توانید در امتداد آن سریع تر حرکت کنید. من اعتقاد زیادی به این چیزها دارم. کمی شبیه به ژیمناستیک. هنگامی که در مسابقات رومل پنجم شدم، از یک پیست برجسته مرتفع استفاده می شد، و زمانی که به فینال رسیدم، نمی توانستم روی پیست قدم بگذارم. عضلات پام خیلی خسته شده بودند. مجبور شدم یک پای خود را اول روی پیست بگذارم و سپس پای دیگر را بلند کنم. هنگامی که بازی را شروع کردم و آرام شدم، توانستم تحرک خوبی داشته باشم.



یکی از کارهایی که ما انجام دادیم و من به خاطر آن بسیار افتخار می کنم، نورپردازی و چیدمان پیست های المپیک لندن است. فکر می کنم که ما توانستیم شمشیربازی را در بهترین حالت خود نمایش دهیم.

هر یک از عناصر ارائه شده به گونه ای طراحی شد که نمای کلی را تکمیل کند. قطعه بندی آلومینیوم رنگی پیست ها ابتدا توسط ما اختراع شد و اولین بار در المپیک آتلانتا مورد استفاده قرار گرفته بود. چراغ های نصب شده روی کف و زیر نور اصلی پیست زمینه ای برای پیست های آینده ایجاد کرد. من فکر می کردم فوق العاده شود. ما نمونه اولیه را ساختیم و گفتیم: "این همان چیزی است که شمشیربازی و FIE به آن نیاز دارد." ما آن را در یک کارخانه خالی نزدیک خودمان مستقر کردیم تا آن را آزمایش کنیم. این کار برای ما اندکی هزینه برداشت و اگرچه پول خوبی در ازای آن به ما پرداخت شد، اما هزینه های توسعه زیادی را برای ما داشت. صد هزار LED در آن تعبیه شده بود. برای اطمینان از اینکه همه اتصالات خوب عمل کند، تمام کنتاکت ها را با روکش آب طلا ساخته بودیم. این بدان معنی است که هیچ مشکلی در مقاومت کل سیستم ایجاد نمی شود. بازخوردی که از آن گرفتیم واقعاً مثبت بود.

ارائه و نمایش مهم است، درست است؟

بله، کاملاً.

از لحاظ تأثیرگذاری، بدیهی است که ارائه المپیک لندن زیبا بود و برای لئون پُل نیز احتمالاً یک رویداد بازاریابی بسیار مهمی بود. تأثیرات المپیک را چگونه ارزیابی می کنید؟

مطمئناً، هر زمان که المپیک برگزار می شود، فروش در سراسر جهان افزایش می یابد. فکر می کنم بدون آن، شمشیربازی واقعاً دچار مشکل می شود. معرفی بازی **رالی تیمی** نیز بسیار عالی بود - یکی از نکات جالب بقای شمشیربازی به دلیل بازی رالی تیمی است. زیرا تماشاگر آن خارق العاده است.

از لحاظ تأثیرگذاری، بدیهی است که ارائه المپیک لندن زیبا بود و برای لئون پُل نیز احتمالاً یک رویداد بازاریابی بسیار مهمی بود. تأثیرات المپیک را چگونه ارزیابی می کنید؟

مطمئناً، هر زمان که المپیک برگزار می شود، فروش در سراسر جهان افزایش می یابد. فکر می کنم بدون آن، شمشیربازی واقعاً دچار مشکل می شود. معرفی بازی رالی تیمی بسیار عالی بود - یکی از نکات جالب بقای شمشیربازی به دلیل بازی رالی تیمی است. تماشای آن خارق العاده است.



آلیشار عثمانوف رئیس FIE، و توماس باخ رئیس IOC، در حال لذت بردن از نمایش پیست LED هستند.

بله، این لذت آورترین مسابقه است. و قطعاً قالب رویدادهای تیمی را تغییر داد و بسیار بسیار تماشایی شد.

منظورم این هست که سیستم رالی خیلی عالی از آب درآمد، حتی تیم های درجه دویی که یک شمشیرباز واقعا قوی دارند تقریباً می توانند مدال طلا را بگیرند یا آن را از دست بدهند. این سیستم شمشیربازی را خارق العاده کرده است. من به یاد می آورم که یک مسابقه فینال را تماشا می کردم، که آخرین شمشیرباز ۹ ضربه خورد و مدال طلای تیمی را از دست داد. من دیگر او را هرگز ندیدم زیرا او کاملاً نابود شده بود. بیچاره! اما بازی خیلی هیجان انگیز شده بود.

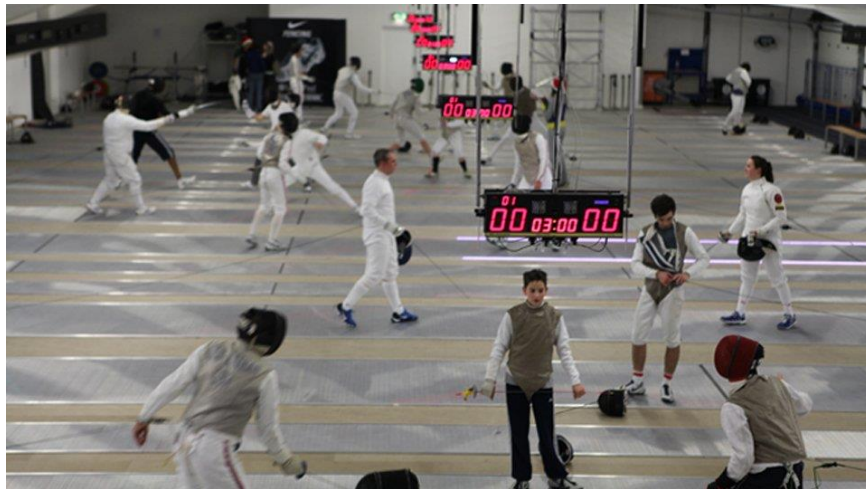
آیا از جزئیات ایجاد و معرفی این بازی رالی تیمی آگاهی دارید؟

از آنچه من فهمیدم، این سیستم عمدتاً توسط رنه راک رئیس وقت FIE، ایجاد شد که کمی شبیه به مسابقات موتورسواری تیمی (tag racing) یا حتی کشتی کج تیمی بود. برای ما هم خوب جواب داد. ایده خارق العاده ای بود. فکر می کنم بسیاری از افراد مخالف آن بودند که این سیستم جواب نخواهد داد و هزار و یک اما و اگر آوردند، اما آن جواب داد. من فکر می کنم احتمالاً شاهد چند رویداد ترکیبی چند جنسیتی، در هر سه سلاح نیز خواهیم بود.

این خیلی دراماتیک خواهد بود. از تجربیات خودتان به عنوان شمشیرباز بگویید؟

در دوره خودم، وقتی بازی می کردم، من یک شمشیرباز بسیار تهاجمی بودم. یک شمشیرباز متهاجم سریع. یعنی فلوره کلاسیک. چیزی که من معتقدم افراد متوجه نمی شوند این است که شما باید انواع خاصی از مهارت های شمشیربازی داشته باشید تا بتوانید اتمک کنید. حرکت کلاسیک من این بود که حریف هایم را تا انتهای پیست می کشاندم، تیغه آنها را می گرفتم و سپس به آنها اتمک می کردم. و این کار را با قدم جلو حمله یا فلش، با ضربه مستقیم یا با ردکن و یا با دبله می کردم. این کار کمی قدیمی است، اما من می توانم آن را به خوبی انجام دهم. و برای تحریک خودم و قتی از پیست پایین می آمدم، به خودم سیلی می زدم، یا به فرقه یا به پای خودم نهیب می زدم تا خودم را برانگیخته کنم. همیشه به من می گفتند، "نه، تو نمیتونی! تو می بازی!" اما من می گفتم، "من در عالی ترین آمادگی قرار دارم!". شما نباید بیش از حد تحریک شوید و نباید خیلی بی اراده و بیحال باشید. این یکی از مهارت های شمشیربازی است.

اگر می خواهید شمشیربازی را به خوبی درک کنید، کتاب "درک شمشیربازی" نوشته Zbigniew Czajkowski را بخوانید. با مطالعه فصل های مختلف آن من خودم را یافتم. نحوه عملکردم، تمرین بیش از حد، کاهلی تمرین، انگیزش بیش از حد، کمبود هیجان خودم را یافتم و دیدم که این کتاب چگونه مرا تحت تأثیر قرار داد. ای کاش این کتاب را در ابتدای دوره شمشیربازی خودم خوانده بودم. من در لهستان وارد یک مسابقه شدم، به فینال راه یافتم، تا آخرین بازی خوب کار کرده بودم. من چهار به یک عقب بودم. به یک دقیقه استراحت رسیدیم. من از پیست بیرون آمدم و در حال پاک کردن عرق خودم بودم که از زاجکوفسکی که آنجا بود پرسیدم، "چه کار کنم؟" او که مدام پیپ می کشید، پکی به پیش زد و گفت: "باری، شمشیربازی کن! آرام باش و بازی خودت را بکن!" من آن بازی را پنج به چهار بردم، زیرا به جای عجله کردن یا هیجان زدگی، من دوباره به روال عادی بازی خودم برگشتم. این یک نکته بسیار عالی برای فلوربست ها است. این کتاب را حتما بخوانید.



گام مهم بعدی در شمشیربازی

این یک داستان باورنکردنی و یک توصیه عالی است. به نظر شما بعنوان بازوی رهبری نوآوری های لئون پُل، قدم بعدی شما چیست؟

ما اخیراً سرمایه گذاری های زیادی در ساخت تیغه انجام داده ایم، اساساً کارخانه ای که ۳۵ سال پیش ساخته بودم را بازسازی کردیم، الکس برای ساخت تیغه های فلوره بهتر و تیغه های سابر ماراجین جدیدی که در فصل آینده اجباری خواهد شد، برنامه ریزی کرده است. بن پروژه ای در دست دارد در زمینه استفاده از فناوری بازی های رایانه ای و هدست که من چیز زیادی در مورد آن نمی دانم. او در مسابقات جهانی لایپزیگ

۲۰۱۷ نمونه ای از پیست برجسته فینال با سطح شیشه شفاف با قابلیت نمایش علائم پیست، نام و جلوه های ویژه را معرفی کرد. اگر در توکیو نشد شاید در پاریس رونمایی بکنیم.

ما در حال صحبت در مورد آنچه که می تواند شمشیربازی را بهتر و بیشتر کند بودیم. من فکر می کنم که پیش بردن شمشیربازی پیشکسوتان یکی از گزینه هاست. قرار است شمشیربازی بی سیم مورد مهم بعدی ما باشد. ما حدود یک میلیون پوند برای توسعه آن هزینه کرده ایم. وقتی شروع کردیم، تصمیم گرفتیم به جای شروع از بالا، از پایین شروع کنیم و آن را در سطح باشگاه معرفی کنیم. بازار ما در سطح باشگاهی بسیار بزرگ تر است. اجرای رویدادهای کلاس جهانی و همچنین المپیک که هر ۴ سال یکبار برگزار می شود بازار بزرگی برای فروش تجهیزات نیست. تاکید ما نباید آنجا باشد. سیستم بی سیمی که اکنون داریم سیستمی است که مناسب باشگاه ها خواهد بود. مخصوصاً اینجا در انگلیس که امکانات ثابت زیادی نداریم. شما یک کلاس دارید که در سالن بدن سازی یا سالن بدمینتون برگزار می شود، و به مدت سه ساعت کار می کنید و سپس باید همه وسایل را جمع آوری کنید. اگر هشت پیست داشته باشید، باید دستگاه های زیادی را نصب کنید، کابل، قرقه، جعبه و وسایل متعدد دیگری باید نصب و دوباره جمع کنید. کار در زمینه شمشیربازی باشگاهی، برای توسعه نیز بسیار بهتر است. ضمن اینکه کودکان با آن سازگار می شوند. وقتی یک ضربه عجیب و غریب رخ می دهد و با دستگاه ثبت می شود، یا به دلیل عرق بازیکن یا به هر دلیل دیگری، آنها زیاد عصبانی نمی شوند، و تنها چیزی که ممکن است عنوان کنند، "دیدی، ضربه من بود، اما مهم نیست، بیا ادامه بدیم!"

این راه مسیر دراز مدت ماست. این برای بسیاری از شمشیربازها جذاب خواهد بود. شمشیربازی در هر مکان، لذت بخش تر و راحت تر خواهد بود. در پارک، در فضای باز. مطمئناً برخی از نگرانی های مربوط به این ویروس لعنتی مردم را برانگیخته و آنها را به شمشیربازی در فضای آزاد کشانده است. به نظر می رسد که شمشیربازی در خارج از خانه چندان دشوار نیست و بسیار لذت بخش هم هست. و این با شمشیربازی بی سیم اتفاق می افتد، من فکر می کنم که احتمالاً شاهد تحولی در شمشیربازی خواهیم بود، و نوعی شمشیربازی از نوع جنگ ستارگان نیز خواهیم داشت، که در حال حاضر نیز به گونه ای وجود دارد. من فکر می کنم یک رشته از این نوع شمشیربازی به وجود خواهد آمد. چه کسی می داند، شاید المپیک آن را، مانند آنچه در اسکیت بورد یا سایر موارد انجام دادند، جذاب تر بدانند، و یک مسابقه شمشیربازی از نوع جنگ ستارگان نیز خواهند داشت. دیدن آن جالب است و قشنگ به نظر می رسد.

شاید فناوری ما هنوز به آنجا نرسیده است. اگر شمشیر سابر نوری واقعی به کسی برخورد کند، بازوی او را قطع بکند. اما با چرخش ما بسوی بی سیم شاید بتوانیم مسابقاتی از نوع جنگ ستارگان در شمشیربازی نیز داشته باشیم. خواهیم دید.



آپاره وایرلس لئون پُل

تغییر در شمشیربازی حتی در ربع قرن گذشته نیز کند بوده است.

روز گذشته که در اطراف کارخانه قدم می زدم، دیدن سرعت نوآوری در زمینه ابزار، ماشین آلات، تجهیزات آهنگری، چاپ سه بعدی، بسیار شگفت آور بود. بهتر هم خواهد شد. روزی فرا می رسد که یک شمشیرباز وارد غرفه ما بشود و با یک اسکن از همه چیز او - دست ها، بازوها،

بدنش - یک تصویر بیومتریک گرفته شود و آن را روی حافظه یا در سوابق ما ثبت خواهیم کرد. سپس او یک دستکش یا یک وست و شلوار دقیقاً به اندازه خود سفارش می دهد و آن را بطور اختصاصی برای او خواهیم ساخت. احتمالاً در انگلستان چیزهای زیادی در راه است.

وای، چقدر شگفت انگیز است. من همیشه به لئون پُل به عنوان مبتکر تجهیزات شمشیربازی نگاه کرده ام. کیف لئون پُل برای من یک ناجی زندگی است. من چهار بچه دارم که شمشیربازی می کنند و از دو کیف لئون پُل برای حمل وسایل آنها به همه مسابقات استفاده می کنم.

من کیت های بی سیم Leon Paul برخوردار کردم و پس از تهیه شروع به استفاده از آنها در این همه گیری کردیم. من دو کیت بی سیم دارم که از آنها استفاده می کردیم. حداقل کاری که آنها برای ما انجام دادند، ایجاد هیجان شمشیربازی الکتریکی در پارکینگ خانه که فوق العاده بود.

از این بابت متشکرم. دوست دارم در مورد ابزار جدید ما در رابطه با ساک چیزی اضافه کنم. من چند روز پیش سر کار بودم. بچه ها مشغول کار روی یک ساک چرخدار جدید بودند. آنها تلاش می کنند تا ساک چرخداری را تهیه کنند که بتواند به صورت ایستاده بایستد. آنها در حال تولید نمونه اولیه با دستگاه چاپ سه بعدی با دو فوت در دو فوت و ارتفاع حدود شش اینچ هستند. این روش برای انجام تحقیق و توسعه و آزمایش کاملاً مناسب است. این دستگاه ها جزو فناوری های شگفت انگیز هستند. هنگامی که نمونه ای داشته باشید، می توانید با ساخت قالب تزریق پلاستیک، آنها را بسازید، اما برای تولید هزار عددی و شاید میلیونی، استفاده از دستگاه چاپ سه بعدی گزینه ارزان تری است.

ما در حال حاضر برخی قطعات شمشیربازی بی سیم را نیز با چاپ سه بعدی تولید کرده ایم.



باری من از شما به خاطر این بحث جالب ممنونم. از صحبت با شما خوشحال شدم.

جالب بود، قطعاً. به امید دیدار. از شما بسیار متشکرم.

این مصاحبه طولانی به دلیل صرفه جویی در زمان و قابلیت خواندن ویرایش شده است و با تایید باری پُل در این وبلاگ منتشر شده است.

من از باری پُل، مبتکر برجسته و آگاه تجهیزات شمشیربازی، که به ما امکان دسترسی عمیق به فرایندهای فکری خود را فراهم کرد و درک ما از این ورزش را ارتقا داد، بسیار سپاسگزارم. باشگاه AFM واقعاً مخترع است که توانست از خرد و دانش شما بهره ببرد، و ما از شما به خاطر فداکاری های باورنکردنی در راه شمشیربازی تشکر می کنیم!

Igor Chirashnya

Academy of Fencing Masters Blog